

در انتظار کوچ

گزیده ای از اشعار

دکتر ضیاء بوتراش

سرشناسه	بوترابی، ضیاءاله، ۱۳۱۹ -
عنوان و نام پدیدآور	در انتظار کوچ: گزیده ای از اشعار دکتر ضیاءاله بوترابی / ضیاءاله بوترابی
مشخصات نشر	یزد: انتشارات اندیشمندان یزد، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری	۱۶۰ ص.
شابک	۳ - ۸۷ - ۸۰۵۳ - ۶۰۰ - ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	فیا
عنوان دیگر	گزیده ای از اشعار دکتر ضیاءاله بوترابی
موضوع	شعر فارسی - قرن ۱۴ .
موضوع	Persian poetry - 20 th century
رده بندی کنگ	۱۳۹۶ ۵ چ ۲ و ۸۳۳۵ PIR
رده بندی دیویی	۸۶۲ / ۱ فا ۸
شماره کتابشناسی	۴۷۰۵۶۴۳
شماره ثبت یزد	۹۶ - ۱۴۳



در انتظار کوچ گزیده ای از اشعار دکتر ضیاءاله بوترابی

مجری طرح: موسسه فرهنگی هنری چهارباغ هنر یزد

طراح و صفحه آرا: نجمه فتوحی فیروزآبادی

مدیر پروژه: علیرضا نقلی

ناظر چاپ: سید محمد موسوی

ناشر: اندیشمندان یزد

تلفن روابط عمومی و پخش: ۰۹۱۲۷۳۳۱۹۲۱

شابک: ۳ - ۸۷ - ۸۰۵۳ - ۶۰۰ - ۹۷۸

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

هر گونه کپی برداری از این اثر باید کتبا با مجوز خانواده دکتر بو ترابی باشد در غیر این

صورت ممنوع و پیگرد قانونی دارد.

نشانی ناشر: یزد - خیابان فرخی - پاساژ ۱۱۰ - طبقه همکف - دفتر انتشارات اندیشمندان یزد، شماره تماس

۰۹۱۳۳۵۶۶۷۲/۰۳۵۳۶۲۹۳۳۰

پیشگفتار

نخستین روز مهر ماه سال ۱۳۴۰، ما پذیرفته شدگان رشته پزشکی در دانشگاه تهران، در سالن آمفی تئاتر دانشکده گرد آمده بودیم، تا به سخنان دکتر احمد فرهاد معتمد، ریاست دانشکده پزشکی، گوش فرادهیم. خوشامد گویی صمیمانه و معتدل که بعد از تابستان گرم و سیاسی آن سال با روحیات بعضاً منتقد ما هم خوانی داشت. من جز پنج شش نفر از سیصد هم دوره جدید، کسی را نمی شناختم و این شامل کسی بود که کنار من نشسته بود. نگاهمان به هم افتاد و لبخند زدیم، آن گاه، او پیشقدم شد و گفت: من ضیا بوتربی هستم و از آن روز آشنایی آغاز شد.

ضیا رام بود، و بر بان، دانایی بود بی تظاهر. از همان زمان توانایی گوش دادن و توجه به مطالب را می شد در او دید. هر چه آشنا تر شدیم علاقه او به مطالعه و جستجو برایم روشن تر می شد. با کتاب دوست بود، دقیق می خواند و تحلیل می کرد. کتاب بود که آشنایی آن روز ما را به دوستی عمیق و پایدار تبدیل کرد. برخلاف او و دوستان دیگرمان که می دانستند من گاهی برای سرودن دست به قلم می برم، من، نمی دانستم که ضیا شعر هم می سراید. حدس می زدم که فردی با چنین روحیه و گرایش های انسانی و عارفانه، من شک با شعر آشناست. کشف ضیا بوتربی شاعر برایم جدید است.

اشعار ضیا در عین ژرفایی که ریشه در دانش و نگارش با انسان دارد به راستی «دل سروده» اند. ضیا بیشتر اشعارش را در واپسین سال های زندگیش نوشته، سال هایی که از بیماریش آگاه بوده و به عنوان یک پزشک همه عواقب آن را می دانسته است. پس شعرها در عین آگاهی به نزدیک بودن سفر پایان سروده شده اند و از دلی بر خاسته اند که می داند رفتنی ست، با این حال سبکبال ست و سرخوش از زندگی.

ویژگی اندیشگی دکتر بوتربی، که در شعرهایش نمود دارد، بر تسلط به روانشناسی اعماق، دانستن اسطوره ها و فلسفه استوار است.

این امر را در اشعار بسیاری من جمله در شعری که به یاد یونگ سروده
می توان دید:

کیست در من می سراید

غمگانه

این هماواز خاموش من

بی ترانه

خود را می برد روح و جانم

بی نشانه

تا جهان های افسانه

تا بی کرانه

از ضیا می توان بسیار سخن گفت و پذیرش رفتن او آسان نیست...

تو در دل جهان زنده ای ضیا جان بگذار یادت به ذهن ما توان اندیشیدن
و نوشتن دهد.

دوست کوچکت

دکتر احمد محیط

اسفند ۱۳۹۵